

عنوان مقاله:

دلالت‌های هنجارگریزی نوشتاری در داستان کوتاه عربی مغرب بر اساس نظریه لیچ

محل انتشار:

مجله لسان مبین، دوره 11، شماره 40 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

زهره قربانی مادوانی - دانشگاه علامه طباطبایی

خلاصه مقاله:

هنجارگریزی از جمله مباحثی است که در مکتب فرمالیسم مطرح شد. بنیان‌گذاران این نظریه، گام‌هایی در جهت انحراف از قواعد و معیارهای زبان هنجار برداشته و یکی از راه‌های خلق ادبیات را استفاده از همین شگردهای هنجارگریزی برشمردند. در این میان، جفری لیچ به عنوان یکی از چهره‌های برجسته شکل‌گرای انگلیسی به انواع هنجارگریزی اشاره و آن را به هشت مورد دسته‌بندی کرد که از جمله آنها، هنجارگریزی نوشتاری است. این مقاله بر آن است تا با روش تحلیلی- استقرائی انواع هنجارگریزی نوشتاری را در ریزروایت‌های عربی، با تمرکز بر تعداد 11 مجموعه ریزروایت (857 داستان) از کشور مغرب استخراج کند و نشان دهد که هنجارگریزی حتی در ریزروایت چند سطری و چند کلمه‌ای نیز قابل بررسی است تا آنجا که تکنیک‌هایی در ریزروایت به کار رفته که در شعر وارد نشده است. انتخاب روایت‌های کشور مغرب بدین علت است که شکوفایی ریزروایت به شکل قابل توجهی در این کشور نمود یافت. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که پرکاربردترین شیوه‌های هنجارگریزی در ریزروایت‌های مغربی مواردی چون: جدانویسی واژه، به کارگیری وام جمله‌هایی از زبان‌های بیگانه، بخش‌بندی سطور ریزروایت با اعداد، استفاده نامتعارف از علامت‌های نگارشی است. اما هدفی که نویسندگان مغربی دنبال می‌کنند از یک سو معطوف کردن توجه خواننده و مهم جلوه دادن آن بخش از ریزروایت است که متفاوت از بقیه آمده است و از سوی دیگر تلاش در هماهنگی ساختار با محتواست.

کلمات کلیدی:

هنجارگریزی نوشتاری، ریزروایت عربی مغرب، نظریه لیچ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1149572>

